

دانلود جزوه قواعد فقه 2

[برای دانلود فایل اینجا کلیک کنید](#)

بخشی از متن جزوه:

اگر من تا قبل از فساد ضامن تسلیم مبیع بودم الآن ضامن تسلیم ثمن هستم

و اگر من که ضامن تسلیم مبیع هستم ، قبل از تسلیم مبیع ، مبیع از بین می رفت (از مال من رفته است که بایع هستم) « تلف مبیع قبل از قبض از مال بایع است »

حالا که من بایع ، ثمن در دست دارم ، اگر ثمن از دستم برود ، باز هم من بایع ضامن هستم چون هنوز معاوضه ای صورت نگرفته است.

نکته : در مورد ضامن معاوضی گفته شد که ضامن از ذات معاوضه در تئوری تعادل عوضین بدست می آید

ضامن معاوضی یکی از آثار تعادل عوضین است (هدف طرفین از معامله این بوده که یک نفر مالی بدست بیاورد و دیگری ثمن را) در عقد بیع صحیح تسلیم ضامن را از بین می برد .

یعنی « تلف مبیع قبل از قبض از مال بایع است » ، ولی بعد از قبض از مال مشتری است.

حال بایع ثمن را می گیرد ولی هنوز مبیع را تسلیم نکرده است ، اگر عقد صحیح باشد و مبیع تلف شود از مال بایع رفته است.

حالا اگر ثمن را گرفته باشد و مبیع را هم تحویل نداده باشد (و تازه بفهمد که عقد هم فاسد است) در این صورت ضامن است نسبت به ثمن ، ولی ضمانتش ضامن معاوضه ای نیست ، بلکه ضمان قهری است.

نکته : اگر عقد بیع صحیح واقع شود ، بایع ضامن معاوضه ای دارد (یعنی ضامن تسلیم مبیع است) پس عقد بیع ضامن آور است.

∅ اگر در عقد بیعی (بایع که ضامن تسلیم مبیع است) مبیع را تسلیم کرد ، ضامن بایع پایان می پذیرد.

حالا تصور کنید که بعد از تسلیم بیع فاسد باشد .

مشتری بخاطر قبض مبیع ضامن است . چرا ؟ چون عقد بیع صحیح بایع را ضامن کرده بود به قبض مبیع به مشتری و حالا که فاسد شده است مشتری ضامن است به استرداد مبیع به بایع (چون عقد بیع صحیح ضامن معاوضی داشت ، عقد بیع فاسد هم ضامن معاوضی دارد)

چون عقد بیع صحیح هدفش رفتن مبیع از ملکیت بایع به ملکیت مشتری است ، نتیجه عقد بیع فاسد نیز بازگشت مبیع از تصرف مبیع به اختیار بایع است .

❖ نقش قبض در تحقق قاعده ما یضمن :

❖ اثر قبض :

1 / شروع قاعده ما یضمن با قبض است ، یعنی اگر در عقد بیع فاسدی هنوز قبض صورت نگرفته باشد ، قاعده ما یضمن اجرا نمی شود.

قبض ، باعث پایان ضامن معاوضه ای می شود در عقد صحیح ، استرداد نیز باعث پایان ضامن است.

بنابراین: تا زمانی که قبض از طرف بایع در عقد اول (عقد صحیح) صورت نگیرد ضامن ما یضمن اجرا نمی شود.

یعنی وقتی فهمیده می شود که عقد فاسد است ضامن ، ما یضمن شروع می شود و با یک قبض دیگر (بصورت معکوس) ضامن تمام می شود .

2 / همانگونه که بایع در عقد بیع صحیح ضامن بود که مبیع را به (قبض و تصرف و تسلیم) مشتري بدهد ،

مشتري نیز در صورت فساد عقد ضامن است که مبیع را عیناً به (تصرف ، تسلیم و تسلط) بایع برگرداند.

و این برگرداندن (مبیع) مال (برگرداندن حقیقی است . یعنی باید از اختیار خودش خارج کند ، لذا همانطوری که در عقد صحیح تا قبل از قبض مبیع تلف می‌شد از مال بایع رفته بود ، تا قبل از برگرداندن مبیع ، اگر مبیع که در تصرف مشتري است از بین برود از مال مشتري رفته است.

پس : قاعده « کل عقد یضمن بصحیحه یضمن بفاسده » همان ضامن معاوضی است ولی بر عکس

مثال :

بایع و مشتري بیع لوازم و تجهیزات ماهواره ای انجام می دهند که به حکم قانون باطل است .

قرار است بایع برای نصب و تنظیم ماهواره به منزل مشتري برود و مبیع نزد وی باقی می ماند (مشتري مبلغ را پرداخت کرده ولی مبیع تسلیم مشتري نمی شود)

در این فاصله (تا قبل از اینکه برود برای نصب ماهواره) تمام اموال مغازه بایع بر اثر آتش سوزی از بین می رود.

اگر عقد صحیح بود از مال بایع از بین می رفت ، چرا ؟ چون قبض توسط مشتري صورت نگرفته است.

حالا اگر بایع در حال نصب ماهواره در منزل مشتري بوده ولی مأموران نیروی انتظامی رسیدند و دیدند بیع باطل بوده است و به مشتري می گویند که علاوه بر جریمه شدن ، ضامن استرداد مبیع به بایع نیز هستی.

او می گوید من فردا صبح مبیع را به بایع تحویل می دهم ولی در این فاصله مبیع از بین می رود (در اینجا از مال مشتري از بین رفته است (چرا ؟ چون عقد صحیحش فرد را (بایع را (ضامن می کرد به تسلیم مبیع ، اگر عقد فاسد شود طرف مقابل (مشتري (را ضامن می کند به تسلیم مبیع .